

عقود رضای رفتی ندادم، اما

نزدن کار آوریل ۱۹۹۷

۱۴

وصیت

نزدن
باشن
دوران

- ۱- اگر بوسه و خودم را از دست دادم، قهقرا بکنید و نگذارید منزه بوم
- ۲- اگر بیه دردی مبتلا شدم که علاج نماند برایت نگذارید غذای بکنم - بکنیدم
- ۳- مرا بفرزاندن و خاکم را توی دریا بریزید
- ۴- هیچ کس و حتی پدرم نباید صدمت مرده مرا ببیند یا عملی گرفته شود
- ۵- هرگز نسیم را که نوشته ام چاپ نکند
- ۶- چند صد نامه ای که از نوشتن مانده دارم یا برضی از پاسخی که من را چاپ کند
عکس آنتی یا نوشته مانده و ساعت آن دارم که بعضی آنها در مسکوت است و برخی در لندن می توان آنهارا همراه نامه که یا در دفتر صد امانت ای چاپ کرد
- ۷- رساله عکری ام را اگر موفق شدم درست کنم (چون مدارک و اسناد کمی است گفته شده باشم) باید توسط شخص مطمئن تصحیح و چاپ شود. رساله در مقام ادبی ملک الشراهار و مروده کمی است
- ۸- بنده ای ۵ و ۶ و ۷ را هر شود به نماند صرف مطمئن فروفت و بیل آن را به همدم آنا محسن الکرین بدو بدهم بزرگ دار
- ۹- یک دسته طلا در آنجا تو جوانی با اولین حقوق خودم خریدم و سر از عمر آنرا در دستم دارم. آنی را به ~~خودم~~ بدهم هر داد همادم که ~~آنرا~~ ~~بدهم~~ ~~خودم~~ ~~نگه~~ ~~دارم~~ ~~م~~
- ۱۰- نوزاد بهر از جلد کن - با رضای تو فلان آنرا دارم که برام صلی عمر بریزند

Zaheranne

Willi

وصیت نامہ

سن ایس کہ ہندو تقسیم کر کے ام "سروم" نہ گذرت تیرے پاس رہ
باید تو تار فام را جمع آور کنیم و در کتاب "اداموتہ دار"
منتشر کنیم۔ عجیب روئی؟ راستی ما ایران را بتسم "منی روم"!

۲۵ مارس ۱۹۰۷ء

علاء

منورہ خوبیانہ ایما تیرے ذرا
۲۳ اگوست ۱۹۰۷ء
رنگ پور
وصیت ہندو زندہ رہے۔
پاس پورہ فورم - ۲۰